

تعیین اولویت کشورهای اسلامی در راستای اهداف دیپلماسی شهری مشهد

روح اله اسدی (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

asadir@ferdowsi.um.ac.ir

چکیده

جهان امروز، جهان شبکه‌ای است که شهرها برای بهره‌مندی از فرصت‌های جهانی و نیز برآوردن نیازهای شهری خود، نیازمند همکاری و رقابت هستند. همان گونه که جهانی‌شدن، دستور کار کشورها را به یکدیگر نزدیک ساخته، و کشورها در تراز ملی با هم وارد تعاملاتی با دستور کارهایی مشترک می‌شوند، در تراز شهری نیز، شهرها با توجه به داشته‌ها و نیز نیازهایشان پای در تعاملات با دیگر شهرها می‌گذارند. دیپلماسی شهری می‌تواند بسان ابزاری مدیریتی، جهت حضور بین‌المللی شهرها به کارگرفته شود. از این رو، بنا نهادن دیپلماسی شهری بر پایه داشته‌های هر شهر، امکان موفقیت و بهره‌وری آن را بسیار افزایش می‌دهد. با توجه به موقعیت شهر مشهد، کشورهای اسلامی یکی از اهداف عمده برای برقراری یا ایجاد پیوندهای دیپلماسی شهری می‌باشند. این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که تقویت دیپلماسی شهری در مشهد، مستلزم ارتباط با کدام کشورهای اسلامی است و چه معیارهایی در این زمینه قابل طرح است. بدین منظور با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، آمار و اطلاعات رسمی و سازمانی، گزارش‌های معتبر جهانی و انجام ۲۰ مصاحبه با متخصصین و مسئولان مرتبط، اقدام به جمع‌آوری اطلاعات گردیده است. برای اولویت‌بندی شهرها و کشورهای اسلامی از چهار سنجی: منطقه جغرافیایی، پیشینه تاریخی و اشتراکات فرهنگی، میزان روابط تجاری، و سطح روابط سیاسی میان ایران و کشورهای اسلامی استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که ۱۰ کشور اول برای اهداف دیپلماسی شهری مشهد به ترتیب عبارت است از: آذربایجان، عراق، هند، افغانستان، پاکستان، تاجیکستان، ترکیه، عمان، قرقیزستان و قزاقستان.

واژه‌های کلیدی: دیپلماسی شهری، کشورهای اسلامی، مشهد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۶

۱. به دلیل اهمیت سه کشور هند، چین و روسیه برای ایران و نیز جمعیت مسلمان قابل ملاحظه آن‌ها، این سه نیز در اولویت‌بندی لحاظ شده‌اند.

مقدمه

ظهور دیپلماسی شهری را باید معلول تغییر و تحولات ناشی از روند جهانی شدن و گسترش فزاینده سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی به خصوص سازمان‌های بین‌المللی مرتبط با مدیریت شهری دانست. علت وجودی این گونه سازمان‌ها پاسخی - است به افزایش وابستگی متقابل و همچنین فرصت‌ها و چالش‌های مشترک جوامع بشری که جهانی شدن فراروی جوامع و شهرها گذاشته است. میزان و کیفیت بهره‌مندی شهرها در یک سازمان بین‌المللی بستگی به مولفه‌هایی دارد که یکی از آنها، ابزار کارآمد دیپلماسی شهری است (Amani, 2011: 15). دیپلماسی شهری، راه‌کارهایی است که به وسیله آن، شهرها با هدف نشان دادن توانایی‌ها و علاقه‌مندی‌هایشان، ارتباط‌ها و تعهداتی را با دیگر بازیگران عرصه سیاست بین‌المللی - اعم از مجامع و سازمان‌ها و شهرهای مختلف - بر عهده می‌گیرند. به این معنا، دیپلماسی شهری را می‌توان نوعی تمرکززدایی از ارتباط‌های بین‌المللی دانست که شهرها بازیگران اصلی آن هستند (Nejati Hoseini, 2012: 126). در واقع، مضمون اصلی سیاست دیپلماسی شهری از بن و اساس، طرح ایده‌ها و راهبردهایی برای کشاندن پای شهرها و دولت‌های شهری‌شان به سمت مداخله فعال و جدی در جهانی شدن دولت‌های شهری است» (Ibid: 118-119). مسئله مهمی که امروزه توجه همگان به ویژه مسئولان شهری را به دیپلماسی شهری چندجانبه جلب می‌کند، بروز مشکلات شهری و نیازمندی‌های فزاینده شهروندان است. چون هیچ شهری به خصوص کلان‌شهرها نمی‌توانند ادعا کنند که به تنهایی قادر به تأمین نیازمندی‌های خود هستند؛ چرا که روند جهانی شدن، منجر به مشکلات و فرصت‌های جهانی و فراگیر شده است که مشارکت و همکاری چندجانبه کلان‌شهرها را می‌طلبد (Ghourchi & Amani, 2009: 28). در واقع، همان گونه که جهانی شدن، دستور کار کشورها را به یکدیگر نزدیک کرده است (Sariolghalam, 2008: 41)، و کشورها در تراز ملی با هم وارد تعاملاتی با دستور کارهایی مشترک می‌شوند، در تراز شهری نیز، شهرها با توجه به داشته‌ها و نیز نیازهایشان پای در تعاملات با دیگر شهرها می‌گذارند. باری، به موازات جهانی شدن شهری و به همراه دگرگونی اجتماعی در فضای شهری و سیاست مدیریت شهری، الزام ورود به «سیاست دیپلماسی شهری» و «سیاست جدید مدیریت شهری»، یعنی «مدیریت دیپلماسی‌گرا»، گریزناپذیر شده است (Nejati Hoseini, 2012: 124).

در کشور ما، اهمیت دیپلماسی شهری در شرایط کنونی از آن جهت ناشی می‌شود که شهرها می‌توانند در چارچوبی منعطف‌تر از روابط سطوح دولت‌های ملی، به همکاری و مشارکت فعال با دیگر شهرهای جهان بپردازند و از این طریق، برخی از موانع عدم مشارکت فعال سطح ملی در نظام حکمروایی جهانی را مرتفع سازند. (Basirat & Jalili, 2014: 60-61)

کلانشهر مشهد به عنوان دومین شهر ایران و یکی از مهمترین شهرهای مذهبی در میان شهرهای اسلامی، جایگاه بسیار با اهمیتی دارد و دارای پتانسیل‌های فراوانی برای برقراری ارتباط با سایر شهرهای جهان به ویژه شهرهای کشورهای اسلامی می‌باشد. به گونه‌ای که بالفعل نمودن و توسعه این پتانسیل‌ها در چارچوب دیپلماسی شهری می‌تواند یک راهکار اساسی در توسعه شهری به شمار آید. پیشینه‌ی تاریخی، فرهنگی و مذهبی کلانشهر مشهد باعث شده که در فرایند توسعه‌ی ملی کشور و در میان سایر کلانشهرها از نقش و جایگاه ویژه‌ای برخوردار شود (Farnahad

2) Consulting Engineers, 2009), و به عنوان یک کلانشهر مذهبی، زائران و گردشگران فراوانی این شهر را به عنوان مقصد سفر زیارتی و سیاحتی خود انتخاب نمایند. به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۲ بیش از ۲۲ میلیون نفر زائر (Department of planning and human capital development municipality of Mashhad, 2015)، و بنا بر آمار سال ۱۳۹۶، ۱۷۷۶۳۳۷ زائر و گردشگر خارجی (Department of planning and human capital development municipality of Mashhad, 2017: 491) وارد مشهد شده‌اند. با این توصیف و به نسبت توان‌های متنوع شهر مشهد، از این توان‌ها استفاده مطلوب نشده است. در حالی که، واحد اطلاعات اکونومیست در سال ۲۰۱۴، با بررسی ۲۶ شهر از ۱۶ کشور در خاورمیانه و شمال آفریقا^۱، نشان می‌دهد که در بین شهرهای ایران، تهران و مشهد فرصت‌های قوی برای رشد دارا می‌باشند (Economist Intelligence Unit, 2014: 6). در این میان و با در نظر داشتن دیپلماسی شهری، یکی از اولویت‌های مشهد به عنوان کلانشهری مذهبی در جهان اسلام (۵۷ کشور اسلامی)، بهره‌برداری از توان شهرهای اسلامی می‌باشد. این که مشهد با چه الویتی می‌تواند، ارتباطات فراملی خود را با شهرهای کشورهای اسلامی در چارچوب دیپلماسی شهری به پیش برد، هدف این پژوهش را تشکیل می‌دهد. بنابراین پرسش پیش روی این مقاله، این است که تقویت دیپلماسی شهری در مشهد، مستلزم ارتباط با کدام کشورهای اسلامی است و چه معیارهایی در این زمینه قابل طرح است؟

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش از نوع کمی - کیفی می‌باشد. بخشی از اطلاعات مربوط به این پژوهش با استفاده از منابع مختلف علمی مانند کتاب‌ها، مقاله‌ها، سایت‌های اینترنتی، اسناد مرتبط در تراز ملی و شهری به دست آمده است. همچنین آمار و اطلاعاتی نیز از منابع رسمی سازمان‌هایی مانند شهرداری، مرکز آمار ایران، وزارت امور خارجه، و ... به دست آمده است. درباره کشورهای اسلامی و جمعیت مسلمان نیز از گزارش‌های جهانی همانند گزارش‌های موسسه پیو (PEW) استفاده شده است. در مرحله میدانی نیز، مصاحبه‌هایی با ۲۰ تن از صاحب‌نظران در حوزه‌های مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، جغرافیای سیاسی و از بین اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها، اعضای شورای شهر و مسئولان شهرداری شهر مشهد، کارشناسان وزارت امور خارجه، و سایر دستگاه‌های مرتبط انجام شده است. به منظور اولویت‌بندی شهرها و کشورهای اسلامی از چهار سنجه به نام‌های: منطقه جغرافیایی کشورهای اسلامی، پیشینه تاریخی و اشتراکات فرهنگی کشورهای اسلامی و شهرهای آنها با ایران و خراسان، میزان روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای اسلامی، و سطح روابط سیاسی میان ایران و کشورهای اسلامی استفاده شده است.

¹ . Mena

مبانی نظری

شهری شدن جهان و رقابت پذیری شهرها

امروزه با توجه به پیوندهای فراگیر جهانی و نظام‌های باز شهری، درک تحولات و پویای شهری بدون نگاه جهانی اگر ناممکن نباشد، دست کم کامل نیست (Sarraf, 2000, 164). فرایند جهانی شدن امکان القاء یا احراز کارکردهای تازه‌ای برای شهرها، و بطور مشخص برای کلانشهرها فراهم آورده است. این کارکردها (به تعبیر ساسکیا ساسن) شهر را: (۱) مرکز بسیار متمرکز فرماندهی و اتصال با اقتصاد جهانی، (۲) مکان کلیدی برای تأمین سرمایه و شرکت‌های خدمات تخصصی سطح بالا، (۳) محیط نوآوری‌ها در صنایع پیشرو، و (۴) بازار مهم عرضه محصولات و نوآوری‌ها می‌نماید (Ibid: 165). «در اقتصاد نوین جهانی، پیشرفت در روش‌های جابه‌جایی و شیوه‌های ارتباطی منجر به پیوند مستقیم شهرها با بازارهای بین‌المللی شده است. استفاده فزاینده از خدمات اطلاعاتی، مالی و دیگر خدمات توسط تولیدکنندگان و صنایع مختلف، به معنای این است که شهرها به مثابه مکان‌هایی برای تمرکز خدمات با سطح بالا جهت سرمایه‌گذاری‌های خارجی و داخلی تلقی می‌شوند. نواحی شهری بازارهای منطقه‌ای بزرگ و به هم پیوسته‌ای را به وجود می‌آورند که گاهی مستقل از قوانین مرزهای ملی عمل نموده و تحت یک شبکه به هم پیوسته بیشترین ارتباط را با حوزه نفوذ خود برقرار می‌سازند (World Bank, 2000: preface, in: Sarraf & Mohammadi, 2011: 58).

«گروهی از نظریه‌پردازان بر پیدایش شکل جدیدی از نظام شهری در سطوح فرامنطقه‌ای و جهانی اصرار می‌ورزند که بر مبنای همکاری‌ها و خدمات اقتصادی بین‌المللی شکل می‌گیرند، در این نظام جدید همچنان گره‌های حیاتی را شهرهای مرکزی تشکیل می‌دهند. این نظریه‌پردازان تغییرات نظام شهری را ناشی از تغییرات نظام اقتصادی در مقیاس بین‌المللی می‌دانند و اصطلاحاتی چون شهرهای جهانی^۱، جهان‌شهرها^۲، ابرشهرها^۳، شهرهای اطلاعاتی و غیره را در مورد آن‌ها به کار می‌برند.» (Jamali nezhad, 2013: 124)، تا آنجا که اسمیت و تایمب لیک (۱۹۹۵) در طراحی سیستم شهری جهانی، به دو راهبرد عمده روش‌شناسانه اشاره می‌کنند: راهبردهای انتسابی^۴ (انحصاری) و راهبردهای ارتباطی^۵. راهبرد انتسابی، شامل رتبه‌بندی شهرها با استفاده از کارکرد و خصلت شهرهای خاصی می‌شود. مثلاً تعداد دفاتر مرکزی بنگاه‌های چندملیتی؛ اما راهبرد مبتنی بر ارتباط، بر تعامل میان شهرها تمرکز می‌کند، تا بدین وسیله مجموعه‌ای از گره‌های موجود در شبکه شهری جهانی را مشخص نماید (Short & Kim, 2007: 37).

بر پایه‌ی ایده‌ی اسمیت و تایمب لیک (۱۹۹۵) راهبرد رابطه‌گرا، مورفولوژی کلی شبکه‌ی شهری جهانی را شکل داده و موقعیت متغیر شهرها را در داخل این ساختار شبکه مانند، در کانون تحلیل جای می‌دهد. در مفهوم‌سازی شهرها به عنوان گره‌هایی از یک شبکه‌ی چند لایه از کنش‌های متقابل، این مزیت وجود دارد که به ما اجازه می‌دهد از فرصت تجسم

¹. World cities

². Global cities

³. Supervilles

⁴. attributional

⁵. linkage

همبستگی کارکردی سیستم جهانی شهرها برخوردار شویم. در راستای اندازه‌گیری جریان‌های بین شهری، اسمیت و تایمبیر لیک (۱۹۹۵) چهار کارکرد جریان‌ها شامل (بازتولید اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی) و سه شکل که ممکن است این جریان‌ها به خود بگیرند، شامل (اشکال انسانی، مادی و اطلاعاتی) را شناسایی و معرفی می‌کنند که انواع ۱۲ گانه‌ی مفهومی از جریان‌ها را نشان می‌دهد که تنوع غنی از اشکال روابط بین شهری را ارائه می‌دهد. (جدول ۱) (Short & Kim, 2007: 64).

جدول ۱- مفهوم‌سازی ارتباطات بین شهری: یک گونه‌شناسی کلی

کارکرد	انسانی	مادی	اطلاعاتی
اقتصادی	نیروی کار، مدیران، حقوقدانان، مشاوران	سرمایه، کالاها	مکالمات تلفنی تجاری، فکس‌ها، پیام‌های دورنماها، انتقال تکنولوژی، اعلامیه‌ها
سیاسی	ارتش، دیپلمات‌ها، مددکاران اجتماعی	سخت‌افزار نظامی، کمک‌های خارجی	معاهده‌ها، تهدیدهای سیاسی
فرهنگی	تبادل دانشجویان، کنسرت، تئاتر	نقاشی‌ها، مجسمه‌ها، صنایع دستی	فیلم‌های نمایشی، ویدیوها و ...
بازتولید اجتماعی	خانواده‌ها، صلیب سرخ، برنامه‌ریزان اجتماعی	وجه‌رسانی‌ها، کمک‌های خارجی	کارت پستال‌ها، مکالمات تلفنی شبانه

Reference: (Short & Kim, 2007: 66)

با نگاهی به جهان امروز بسان زمینه و بستری اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، تکنولوژیکی و ... که شهرها در درون آن به زیست خود ادامه می‌دهند می‌توان گفت با توجه به درهم‌تنیدگی کارکردی شهرهای امروزی با یکدیگر، فراهم‌سازی هر چه بهتر حضور و نقش‌آفرینی شهرها در عرصه بین‌المللی یکی از ضروریات است تا شهرها بتوانند هر چه بیشتر از رقابت و همکاری با دیگر شهرها، در عرصه بین‌المللی نقش‌آفرینی کنند. با توجه به ماهیت دیپلماسی شهری، می‌توان گفت دیپلماسی شهری می‌تواند بسان ابزاری جهت حضور شهرها در عرصه بین‌المللی عمل کند. با نگاهی به ویژگی‌های جامعه‌ی شبکه‌ای، - که «شبکه‌ای شدن» و گره‌خوردگی جهان امروز را نمایان می‌سازد - و با درنگریستن به این واقعیت که جهانی‌شدن پدیده‌ای است که عملاً در شهرها اتفاق می‌افتد و شهرها مظهر و تجسم جهانی‌شدن هستند (Ibid:14)؛ نقش «ارتباطی» شهرها برجسته می‌نماید. این واقعیت، ما را به واقعیت دیگری رهنمون می‌کند و آن چیزی نیست مگر ابزاری مدیریتی، که شهرها به کمک آن بتوانند در شبکه‌ای از شهرهای جهان، نقش‌آفرینی کنند و با آن‌ها در چرخه‌ی «رقابت و همکاری» قرار گیرند تا بتوانند از جریان‌های فکری، اطلاعاتی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و ... بهره‌مند گردند، چرا که جهان امروز، جهان شبکه‌ای است که شهرها برای بهره‌مندی از فرصت‌های جهانی و نیز برآوردن نیازهای شهری خود، نیازمند همکاری و رقابت هستند، و «دیپلماسی شهری» می‌تواند بسان ابزاری مدیریتی، جهت حضور بین‌المللی شهرها به کارگرفته شود. دیپلماسی شهری، انجام روابط خارجی است که نمایندگان رسمی شهرهای مختلف با بازیگران دیگر انجام می‌دهند (Acuto, Decramer, Kerr, & Klaus, 2018: 3).

«قرن بیست و یکم از دید بسیاری از صاحب‌نظران، قرن شکل‌گیری و حضور گسترده بسیاری از شهرهاست که در مقیاس منطقه‌ای و جهانی در مناسبات قدرت و بازی‌های ژئوپولیتیک نقش‌آفرینی خواهند کرد. کلان‌شهرها در چارچوب دیپلماسی شهری به طرز عجیبی بر جریان‌های بین‌المللی تأثیر می‌گذارند به همین دلیل سیاست‌گذاران شهری باید راهبرد جدیدی را پایه‌گذاری کنند تا شهرها بتوانند هر چه بیش‌تر در عرصه‌های جهانی حضور داشته و از فرصت‌های توسعه برای شهروندان خود بهره‌مند شوند.» (Tehran Urban Research and Planning Center, 2012: 35).

کشورهای اسلامی

جهان اسلام به محدوده‌ای اطلاق می‌شود که از سواحل شمال غربی قاره آفریقا تا مجمع‌الجزایر اندونزی در جنوب شرق آسیا امتداد یافته است. این منطقه وسیع که حدوداً ۱۷۰ درجه از طول غربی و شرقی و کمتر از ۷۰ درجه از عرض‌های شمالی و جنوبی سیاره زمین را فراگرفته است، شامل مناطق جغرافیایی متفاوتی است که عبارتند از: منطقه شمال آفریقا، منطقه جنوب غربی و غرب آسیا، منطقه آسیای مرکزی، منطقه جنوب و جنوب شرق آسیا و جنوب شرقی اروپا (Ahmadian, 2006: 15). در این‌که مراد از کشورهای اسلامی کدام کشورها می‌باشند، باید گفت برخی برآنند که کشورهای اسلامی کشورهایی هستند که بیش از ۷۵ درصد جمعیت مسلمان دارند، برخی نیز داشتن ۵۰ درصد جمعیت مسلمان را پیشنهاد می‌دهند و برخی نیز کشورهای اعضای سازمان کنفرانس اسلامی را بسان کشورهای اسلامی می‌شناسند (Ibid: 9). در این پژوهش کشورهای اسلامی به معنای گسترده آن در نظر گرفته شده است که همان کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی^۱ می‌باشد.

کشورهای اسلامی به عنوان بازیگران عرصه بین‌المللی در ارتباط مستقیم با شرایط و خصیلت‌های جهانی شدن می‌باشند. جهانی شدن برای کشورهای اسلامی به منزله یک نقطه عطف تاریخی محسوب می‌شود که می‌تواند تجارب مثبت و منفی فزاینده‌ای را برای آن‌ها به همراه آورد. آن‌چه به عنوان یک واقعیت گریزناپذیر در نظام بین‌الملل کنونی در حال رخ دادن است، تحول نظام بین‌الملل از دولت‌محوری به منطقه‌گرایی در پرتو جهانی شدن است، تحولی که به صورت اجتناب‌ناپذیری، دولت‌های اسلامی را نیز در بر می‌گیرد و این کشورها از روی تمایل و یا اجبار با آن مواجه می‌شوند. بر این اساس می‌توان گفت که نزدیک‌ترین تأثیر جهانی شدن بر کشورهای اسلامی، شتاب‌گرفتن سیاست‌ها و اقدامات هم‌گرایی در قالب سازمان‌های منطقه‌ای است، اما مهم‌تر از آن، چگونگی ارتباط و تعامل کشورهای اسلامی با جهانی شدن است؛ ارتباطی که بتواند تأمین‌کننده منافع کشورهای اسلامی باشد و از سلطه یک‌جانبه مداخله‌گرایی قدرت‌های بزرگ جلوگیری نماید. به عبارت دیگر، کشورهای اسلامی برای حفظ هویت، ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی و میراث تمدنی خود در عرصه جهانی شدن، نیازمند تعریف مجدد مرزها، هویت و تعاملات خود با یکدیگر و با قدرت‌های بزرگ می‌باشند که

۱. وزیران خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در سی و هشتمین اجلاس خود در سال ۲۰۱۱، در آستانه پایتخت قزاقستان، نام این سازمان را به «سازمان همکاری اسلامی» تغییر دادند.

به نظر می‌رسد راهبردها و سازوکارهای جدیدی را می‌طلبد و سیاست‌های منطقه‌ای موجود، پاسخ‌گوی نیازهای فزاینده کنونی نمی‌باشد. بر این اساس، افزایش تعاملات درون‌منطقه‌ای از طریق راه‌های دیپلماتیک و تحرک دیپلماسی در حوزه شهری، عامل موثری در شکل‌دهی به هم‌گرایی و ارتباط پویای کشورهای اسلامی با جهانی شدن می‌باشد و جهانی شدن ارتباطات و اطلاعات، فرصت‌های فزاینده‌ای را برای تصویرسازی مثبت و تحول در محیط ذهنی - روانی کشورهای اسلامی ایجاد نموده است (Jamali nezhad, 2013: 185-186). «... کشورهای اسلامی برای تعامل سازنده، موثر و آگاهانه با تحولات نوین جهانی، نیازمند افزایش سطح قدرت و کسب موقعیت‌های برتر در نظام بین‌المللی و منطقه‌ای می‌باشند، کسب قدرت و نهادینه‌سازی آن در گرو افزایش تعاملات درون‌منطقه‌ای و میان‌منطقه‌ای است. دستیابی به این هدف اساسی، نیازمند فعال‌نمودن انواع دیپلماسی رسمی، عمومی و شهری در جهت شکل‌گیری منطقه‌گرایی نوین و ایجاد تصاویر ذهنی مثبت می‌باشد. ...» (Ibid: 193).

یافته‌ها و بحث

اولویت‌بندی شهرها و کشورهای اسلامی

به منظور اولویت‌بندی کشورهای اسلامی در راستای اهداف دیپلماسی شهری مشهد، چهار سنجه مورد توجه قرار گرفته است: منطقه جغرافیایی کشورهای اسلامی؛ پیشینه تاریخی و اشتراکات فرهنگی کشورهای اسلامی و شهرهای آنها با ایران و خراسان؛ میزان روابط اقتصادی و تجاری تراز ملی با کشورهای اسلامی؛ و سطح روابط سیاسی میان ایران و کشورهای اسلامی. در ادامه نتایج بررسی هر یک از این سنجه‌ها ارائه می‌گردد.

سنجهی منطقه جغرافیایی

یکی از سنجه‌هایی که می‌تواند در اولویت‌بندی کشورهای اسلامی جهت برپایی یا تقویت دیپلماسی شهری توسط شهر مشهد با آنها، کارا باشد، موقعیت جغرافیایی است. موقعیت جغرافیایی مناسب می‌تواند تسهیلات زیادی در ایجاد پیوند بین شهرها فراهم آورد. به عنوان مثال برقراری دیپلماسی شهری میان مشهد و شهرهای کشورهای آسیای مرکزی و نیز همسایگان شرقی ایران، به لحاظ موقعیت، تا اندازه زیادی بر شهرهای اسلامی قاره آفریقا برتری دارد. در همین راستا، می‌توان کشورهای اسلامی را بنا به موقعیت جغرافیایی‌شان، به صورت جدول شماره ۲ گروه‌بندی نمود.

جدول شماره ۲- دسته‌بندی کشورهای اسلامی بر مبنای منطقه جغرافیایی

ردیف	منطقه جغرافیایی
۱	شهرهای کشورهای اسلامی همسایه و آسیای مرکزی (۱۶ کشور)
۲	شهرهای کشورهای خاورمیانه (به جز همسایه‌های ایران) (۶ کشور)
۳	شهرهای کشورهای اسلامی - آسیایی (۵ کشور)
۴	شهرهای کشورهای اسلامی - آفریقایی (۲۵ کشور)
۵	شهرهای کشورهای اسلامی - اروپایی (۱ کشور)
۶	شهرهای کشورهای اسلامی - آمریکای جنوبی (۲ کشور)

جدول ۲ نشان می‌دهد که کشورهای اسلامی و به تبع آن؛ شهروانشان را می‌توان در شش گروه، دسته‌بندی نمود. شهر مشهد این امکان را دارد که با ۱۶ کشور عضو سازمان کشورهای اسلامی که در موقعیت جغرافیایی آسیای مرکزی یا همسایگی ایران قرار دارند، ارتباط دیپلماتیک برقرار کند. با توجه به قدرت ایران در منطقه آسیای مرکزی، می‌توان گفت، منطقه کلانشهری مشهد، بهترین موقعیت را برای ارتباط با کشورهای همسایه ایران در شمال شرقی کشور دارد و در این زمینه اگر بخواهد هیچ رقیبی برای آن متصور نیست. زیرا به دلیل فاصله زیاد کلانشهرهای کشور با مرزهای شمال شرقی، کلانشهر مشهد علاوه بر مزیت تاریخی و فرهنگی مشترک با بازارهای مقصد در آن سوی مرزها، از نظر صرفه‌جویی در هزینه‌های حمل و نقل و ارتباطات نیز از مزیت‌های بی‌بدیلی برخوردار است و قابلیت‌ها و ویژگی‌های برجسته‌ای نظیر مرکزیت سیاسی - اداری استان خراسان رضوی، قطب زیارتی و گردشگری در سطح ملی و فراملی، دومین منطقه کلانشهری بزرگ در سطح کشور، دارای نقش و عملکرد برجسته از نظر اداری، سیاسی، خدماتی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در شمال شرقی ایران، جایگاه ویژه از نظر ارتباطات برون مرزی به ویژه با کشورهای افغانستان، ترکمنستان و تاجیکستان، واقع شدن در مسیر جاده ابریشم و مسیر ترانزیتی آسیای مرکزی به خلیج فارس، به این منطقه شهری اهمیت ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی خاصی بخشیده است. بنابراین، این ویژگی‌ها به این منطقه فرصتی برای گسترش حوزه نفوذش، فراتر از مرزهای ملی داده است. علاوه بر این، در سالهای اخیر به ویژه با تقویت محور ارتباطی سرخس - مرو، کریدور ترانزیتی شمال - جنوب و محور ارتباطی تربت جام - هرات، امکان جدیدی برای توسعه روابط اقتصادی و فرهنگی با آسیای مرکزی و افغانستان فراهم شده که می‌تواند نقش موثرتری در توسعه اقتصادی - اجتماعی منطقه کلانشهری مشهد ایفا نماید (Sarraf & Azimi, 2010: 171). بنابراین، کشورهای آسیای مرکزی و نیز افغانستان و پاکستان در راستای اهداف دیپلماسی شهری دارای اولویت ویژه‌ای می‌باشند.

سنجی پیشینه تاریخی و اشتراکات فرهنگی

یکی دیگر از ملاک‌ها یا سنجه‌هایی که در فرایند برقراری و تقویت دیپلماسی شهری می‌تواند نقش مهمی ایفا کند، وجود زمینه‌های فرهنگی و پیشینه تاریخی میان دو کشور و نیز میان دو شهر است. اصولاً رابطه فرهنگی بیش از آنکه به اقتضائات زمانی و داشتن منافع مشترک در مجامع جهانی که در روابط سیاسی بین دولتها حاکم است وابسته باشد، به مشترکات مردمان و شهروندان دو کشور در زمینه‌های نژادی، قومی، زبان و اعتقادات بستگی دارد. هر چند وجود زمینه‌ی فرهنگی و پیشینه تاریخی میان دو مکان جغرافیایی (اعم از کشورها یا شهر) خود به خود، موفقیت در دیپلماسی ملی و یا شهری را در پی نخواهد داشت، ولی می‌تواند نقش فراهم‌کننده‌ی بستر و زمینه‌ی تعامل و روابط دیپلماتیک در تراز ملی یا شهری قرار گیرد. از آنجا که امکان برپایی دیپلماسی شهری بین شهرهایی که شهروانشان با ایران پیشینه فرهنگی مشترکی دارند (دین، زبان، پیشینه تاریخی مشترک و ...) فراهم‌تر خواهد بود، بنابراین می‌توان این را به عنوان یکی از ملاکهای اولویت‌بندی در راستای برقراری دیپلماسی شهری در نظر گرفت. جدول شماره ۳ کشورهای اسلامی را نشان

می‌دهد که با ایران پیشینه تاریخی و یا اشتراکات فرهنگی بیشتری دارند، بنابراین در فرایند اولویت‌بندی بایستی این جدول را مد نظر داشت.

جدول شماره ۳- کشورهای دارای پیشینه تاریخی و یا اشتراکات فرهنگی با ایران و خراسان

ردیف	کشور	توضیحات
۱	آذربایجان	<ul style="list-style-type: none"> - ۸۹٪ آذری - ۹۶/۹ درصد مسلمان در سال ۲۰۱۰ - ۸۵ درصد جمعیت مسلمان آذربایجان شیعه هستند. - این سرزمین تا حدود دویست سال پیش جزو خاک ایران بود. در سالهای ۱۱۹۳ و ۱۲۰۷ خورشیدی در پی پیمان گلستان و ترکمانچای میان ایران و روسیه از ایران جدا و به روسیه تزاری ضمیمه شد.
۲	ازبکستان	<ul style="list-style-type: none"> - ۹۶/۷ درصد مسلمان در سال ۲۰۱۰ - ازبکستان در آسیای مرکزی و در کنار جاده ابریشم، شامل شهرهای باستانی و تاریخی زیادی است و سمرقند، بخارا، خیوه و خوارزم از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین شهرها و مناطق این سرزمین هستند. - زبان‌های قدیمی رایج در این منطقه زبان‌های ایرانی سغدی، خوارزمی و پارسی میانه بود. - منطقه کنونی ازبکستان بعدها به ترتیب جزئی از حکومت‌های غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان، ایلخانان، تیموریان و ازبک شد.
۳	افغانستان	<ul style="list-style-type: none"> - زبان رسمی: پشتو، دری - قرارگرفتن در مسیر جاده ابریشم - ۹۹/۷ درصد مسلمان در سال ۲۰۱۰ - سنی (۸۰٪) و شیعه (۱۹٪)
۴	بحرین	<ul style="list-style-type: none"> - ۷۰/۳ درصد مسلمان در سال ۲۰۱۰ - شیعه (۷۰٪)، سنی (۳۰٪) - زبان فارسی نیز در گفتگوهای مردم استفاده می‌شود. - بحرین از سال ۱۷۸۳ تحت حکومت آل خلیفه قرار گرفته‌است، در حالی که حکومت قاجار و پهلوی آن را بخشی از ایران می‌دانست. بحرین از سال ۱۸۲۰ میلادی تحت سرپرستی کشور بریتانیا درآمد و در سال ۱۹۷۱ اعلام استقلال کرد.
۵	پاکستان	<ul style="list-style-type: none"> - ۹۶/۴ درصد مسلمان در سال ۲۰۱۰ - دومین کشور از نظر تعداد مسلمانان محسوب می‌شود. - این منطقه محل تقاطع راه‌های تجاری تاریخی مانند راه ابریشم بوده است. - کشور کنونی پاکستان در زمان سلسله‌های هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان، صفویان، افشاریان جزو خاک ایران بوده همچنین در زمان سلسله‌های سامانیان و قاجار بخش‌هایی از آن جزو ایران بود. - خواهرخواندگی مشهد با لاهور و کراچی
۶	تاجیکستان	<ul style="list-style-type: none"> - ۹۶/۷ درصد مسلمان در سال ۲۰۱۰ - زبان رسمی آن فارسی تاجیکی است. - تاریخ و فرهنگ تاجیکستان با ایران اشتراکات بسیاری دارد. در پاره‌هایی از دوران پیش از اسلام، تاجیکستان جزئی

		<p>از شاهنشاهی ایران بود. پس از اسلام، سرزمین خراسان و فرارود (از جمله تاجیکستان) زنده‌کننده فرهنگ ایرانی و به وجود آورنده زبان پارسی دری بود که جانشین زبان پهلوی شد. نخستین شاعران پارسی‌زبان از این ناحیه به پا خاستند، به ویژه رودکی، که پدر شعر پارسی محسوب می‌گردد. در نخستین سده‌های هجری، خراسان و فرارود مهد تمدن و علوم ایرانی بوده و بزرگانی مانند ابن سینا و فارابی در آنجا پرورش یافته‌اند.</p> <p>– سرزمین سفد باستان که سرزمین کنونی تاجیکستان را دربر می‌گیرد، در زمان داریوش یکم به جزئی از امپراتوری هخامنشی تبدیل شد</p> <p>– در سده دهم میلادی، سامانیان اولین حکومت مستقل ایرانی پس از اسلام در این منطقه تشکیل دادند. شاعران و عالمان همان دوره به مانند رودکی، ابن سینا، فردوسی، عنصری، دقیقی در درگاه شاهان سامانیان کار و فعالیت می‌کردند.</p>
۷	ترکمنستان	<p>– ۹۳ درصد مسلمان در سال ۲۰۱۰</p> <p>– دارای پیوندهای فرهنگی و قومی با بخش‌هایی از مناطق هم‌مرز با ایران</p>
۸	ترکیه	<p>– ۹۸ درصد مسلمان در سال ۲۰۱۰</p> <p>– اشتراکات زبانی و فرهنگی با مناطق شمال غرب ایران</p>
۹	سوریه	<p>– ۹۲/۸ درصد مسلمان در سال ۲۰۱۰</p> <p>– وجود حرم حضرت زینب (س) و سایر اماکن زیارتی</p>
۱۰	عراق	<p>– ۹۹ درصد مسلمان در سال ۲۰۱۰</p> <p>– ۶۰٪ (شیعه)، ۳۲٪-۳۷٪ (سنی)</p> <p>– عراق محل زندگی و خاکسپاری ۶ امام شیعه است و شهرهای نجف، کربلا، کاظمین و سامرا زیارتگاه شیعیان می‌باشد.</p> <p>– خواهر خواندگی مشهد با نجف</p>
۱۱	عربستان	<p>– ۹۳ درصد مسلمان در سال ۲۰۱۰</p> <p>– محل ظهور دین اسلام، وجود مکه به عنوان قبله مسلمان، جایگاه‌های مهم دینی مسلمانان هم‌چون کعبه، قبرستان بقیع، مسجد پیامبر و آرامگاه پیامبر اسلام در این کشور جای دارد.</p>
۱۲	عمان	<p>– ۸۵/۹ درصد مسلمان در سال ۲۰۱۰</p> <p>– اشتراکات فرهنگی دو ملت و بویژه مشابهت‌های فراوان فرهنگ فولکلوریک مناطق هم‌جوار دو کشور، نشان‌دهنده این واقعیت است که جریان تبادل فرهنگی میان مردم ایران و عمان عمقی تاریخی دارد. علاوه بر آن، اعتقاد دو ملت به اسلام موجبات جاودانگی پیوندهای فرهنگی آنها را فراهم ساخته است.</p> <p>– تأسیس کرسی فقه اباضی در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، عضویت مفتی اعظم عمان در شورای عالی مجمع تقریب مذاهب اسلامی و مشارکت فعال ایشان در نشست‌های سالیانه این مجمع در تهران، شرکت در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، همکاری‌های کتابخانه‌ای، ارتباطات رادیو - تلویزیونی و مطبوعاتی، برگزاری هفته فیلم و هفته فرهنگی، برگزاری دو مورد نمایشگاه اسناد تاریخ روابط دو کشور، شرکت فعال در نمایشگاه‌های هنری بویژه هنرهای تجسمی، همکاری در ترمیم و حفظ میراث فرهنگی، زمینه‌سازی برای تأسیس کرسی زبان فارسی در دانشگاه سلطان قابوس، همکاری در زمینه آموزش دیپلماتیک، توسعه تبادلات توریستی، تنوع بخشیدن به همکاری‌های ورزشی و تلاش به منظور تأسیس مرکز مستقل زبان فارسی در مسقط از جمله مصادیق توسعه روابط فرهنگی دو کشور در دهه اخیر بوده است</p> <p>– همچنین گردشگران عمانی علاقه وافری به زیارت از امکان مذهبی از جمله مشهد نشان می‌دهند. (سفارت ایران در</p>

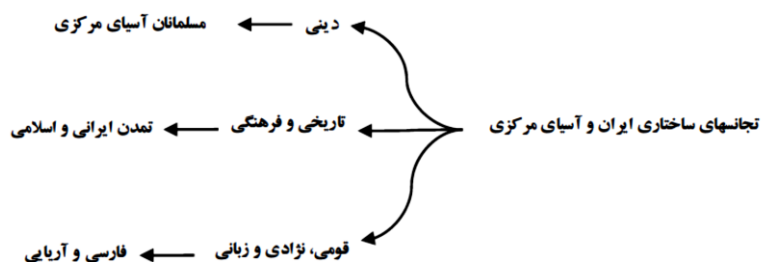
		مستقط)
۱۳	قطر	۶۷/۷ درصد مسلمان در سال ۲۰۱۰
۱۴	فلسطین	۹۷/۶ درصد مسلمان در سال ۲۰۱۰
۱۵	قرقیزستان	۸۸ درصد مسلمان در سال ۲۰۱۰ - امروزه افزون بر خاستگاه ترک تبار، فرهنگ بیشتر مردم این کشور از فرهنگ ایرانی، مغولی، و روسی نیز تأثیر پذیرفته است.
۱۶	قزاقستان	۷۰/۴ درصد مسلمان در سال ۲۰۱۰
۱۷	هند(عضو همکاری اسلامی نیست و دارای پیشینه تاریخی با ایران است)	۱۴/۴ درصد مسلمان در سال ۲۰۱۰، ناگفته نماند که بنا به همین گزارش، جمعیت هند در سال ۲۰۱۰، برابر ۱۲۲۴۶۲۰۰۰۰ نفر بوده است. - طی ۸۰۰ سال تسلط فارسی‌زبانان یا ایرانیان بر هند، این کشور از فرهنگ ایران و زبان فارسی تأثیر بسیاری پذیرفته است. زبان فارسی در دوره غزنویان به هند راه یافت و با فرمانروایی گورکانیان هند زبان رسمی شد. زبان فارسی هند شاعران بزرگی همچون بیدل دهلوی، و امیر خسرو دهلوی و دستگاه شعری سبک هندی را در خود پروراند. زبان فارسی تأثیر فراوانی بر زبان‌های هند به‌ویژه زبان اردو گذاشته است. زبان فارسی پیش از آنکه هند مستعمره انگلستان شود (سده ۱۹ میلادی)، دومین زبان رسمی این کشور و زبان فرهنگی و علمی به‌شمار می‌رفت. - در ۴۳ دانشگاه هند زبان و ادبیات فارسی در مقطع دکترا تدریس می‌شود.

* آمار جمعیت مسلمان در کشورها از گزارش موسسه پیو در سال ۲۰۱۵ به دست آمده است (Pew Research Center, 2015).

نگاهی به جدول ۳ آشکار می‌سازد که از ۵۷ کشور اسلامی (عضو سازمان همکاری اسلامی)، کشور ایران با ۱۶ کشور اشتراکات فرهنگی و یا پیشینه مشترک تاریخی دارد که این ملاک خود زمینه روابط دیپلماسی شهری مشهد با این کشورها را فراهم‌تر می‌سازد. ناگفته نماند که در جدول ۳، به کشور هند هم اشاره شده است، هر چند این کشور عضو کشورهای همکاری اسلامی اسلامی نیست ولی از آنجایی که ۱۴/۴ درصد از جمعیت ۱۲۲۴۶۲۰۰۰۰ نفری (در سال ۲۰۱۰) این کشور مسلمان هستند و نیز پیشینه فرهنگی و تاریخی مشترک با ایران داشته است در فرایند اولویت‌بندی شرکت داده شده است.

در زمینه روابط خواهرخواندگی نیز، مشهد با شهرهای ارومچی چین، لاهور و کراچی پاکستان و نجف عراق خواهرخوانده می‌باشد. و با شهرهایی از لبنان، لاهور پاکستان، بغداد، کربلا و کاظمین عراق تفاهم‌نامه همکاری مشترک به امضاء رسانده است (<https://www.mashhad.ir>). شهرهای نامبرده شده عمدتاً شهرهای کشورهای اسلامی و یا مانند ارومچی شهرهای دارای جمعیت مسلمان هستند.

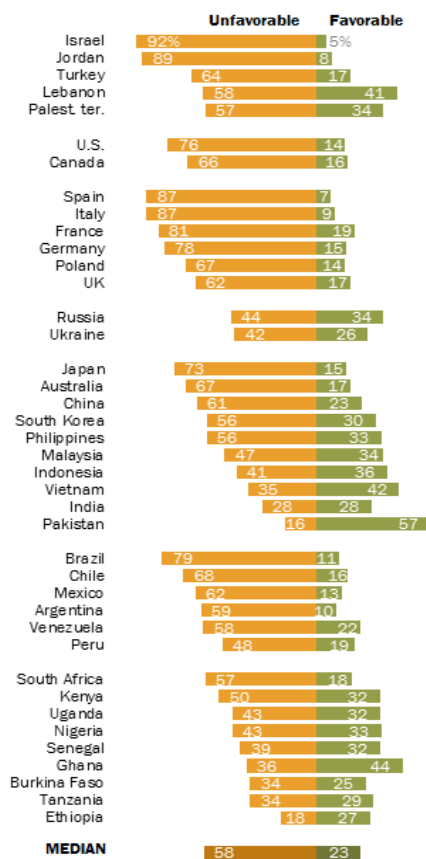
در بین کشورهای جدول فوق، کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان برای کلاشهر مشهد اهمیت ویژه‌ای دارند. با یک بررسی علمی می‌توان دریافت که گستره تجانس‌های ساختاری ایران با کشورهای این منطقه در حوزه عملکردی مشترک تمدن فارسی، ایرانی و اسلامی دارای قدمت و پایه‌های فرهنگی مشترک بسیار مستحکمی است.



شکل ۱- تجانس‌های ساختاری مشترک، ایران و آسیای مرکزی (Hafeznia et al, 2007: 105).

تجانس ساختاری به محوریت زبان، دین، فرهنگ و ادبیات فارسی با قطب علمی، تاریخی و فرهنگی آسیای مرکزی یعنی ازبکستان با محوریت ناحیه سمرقند و بخارا (منطقه تاجیک‌های شهری)، نویددهنده استفاده از فرصت‌های سرمایه‌گذاری اقتصادی، توسعه روابط تجاری و نقش‌پذیری بیشتر در ترانزیت کالا و خدمات به ویژه با اتصال به محور جنوب از طریق ترمز یعنی شمال افغانستان به ایران و کاهش وابستگی تردد و عدم نیاز ازبکستان به عبور از ترکمنستان از فرصت‌های بسیار مناسب مبتنی بر علایق مشترک می‌باشد. عدم تجانس‌های ساختاری جمهوری اسلامی ایران با بخش ازبک‌های ازبکستان در زبان (علی‌رغم تجانس‌هایی در آداب و رسوم، فرهنگ عامه و دینی و ساخت‌های اجتماعی) و بخش‌های مهمی از قزاقستان در بخش زبان و نژاد و همچنین تاریخ افسانه‌ای توران و عدم تجانس مذهبی از عوامل سلبی و عدم تجانس‌ها می‌باشد که باید مورد ملاحظه قرار گیرد (Ibid: 113).

نکته قابل توجه دیگری که بایستی بدان توجه نمود و جزء موانع برقراری رابطه مناسب با شهرهای دیگر کشورها از جمله کشورهای اسلامی است، ذهنیت منفی شهروندان نسبت به مردم این کشورهاست. به عنوان مثال تقابل تاریخی ایران و توران و نیز ایران و عرب (عربستان به عنوان نماد هویت عربی) و تصویر ذهنی آن‌ها در نزد مردم ایران در شیوه استقبال از آن‌ها توسط شهروندان مهم است و بایستی بدان توجه نمود. هر چند که این موارد می‌تواند در فرایند یک دیپلماسی کارا به سوی نقاط اشتراک و جذب منافع برای شهر سمت و سوی پیدا کند. در همین راستا می‌توان از نظرسنجی موسسه پیو که درباره میزان محبوبیت کشورها انجام می‌دهد استفاده نمود. نتایج آخرین نظرسنجی انجام شده توسط این موسسه درباره میزان محبوبیت ایران در نمودار ۱ آمده است. این نظر سنجی در ۴۰ کشور جهان و از میان نظرات ۴۵۴۳۵ پاسخ‌دهنده در ۲۵ تا ۲۷ می ۲۰۱۵ انجام شده است.

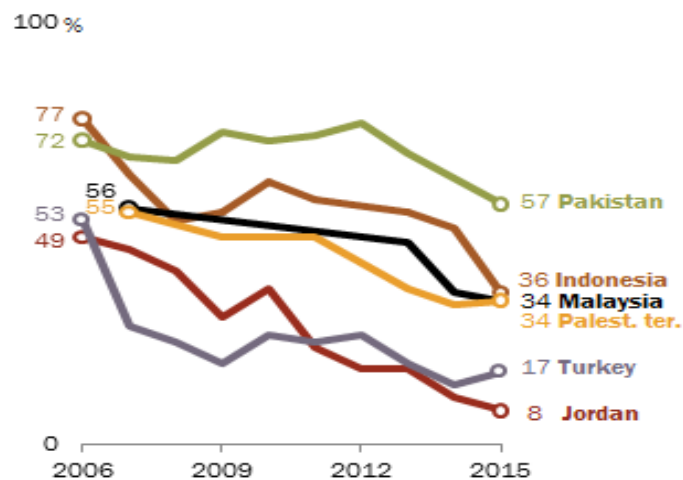


Source: Spring 2015 Global Attitudes survey, Q12c.
PEW RESEARCH CENTER

نمودار ۱- میزان محبوبیت ایران در میان کشورهای جهان (Zainulbhai & Wike, 2015: 2)

همان‌گونه که این نمودار نشان می‌دهد، در میان کشورهای اسلامی، ایران بیشترین محبوبیت را نزد پاکستانی‌ها با ۵۷ درصد دارد. پس از آن لبنان با ۴۱ درصد، و فلسطین و مالزی با ۳۴ درصد در رده دوم و سوم قرار دارند. نیجریه با ۳۳ درصد، اوگاندا و سنگال با ۳۲ درصد، در رده چهارم و پنجم قرار می‌گیرند. پس از آن‌ها، ترکیه با ۱۷ درصد و اردن با ۸ درصد نظر مثبت به ایران نظر داشته‌اند. در میان کشورهای غیراسلامی و دارای جمعیت مسلمان نسبتاً زیاد نیز به ترتیب روسیه با ۳۴ درصد، هند با ۲۸ درصد و چین با ۲۳ درصد در رده‌های اول تا سوم قرار می‌گیرند. از جمله نکات دیگر این گزارش آن است که در میان جمعیت شیعیان لبنان ۹۵ درصد به ایران نظر مثبت دارند. و ۲۹ درصد مسیحیان و ۵ درصد اهل تسنن لبنان به ایران نظر مثبت داشته‌اند.

همچنین موسسه پیو، بر اساس داده‌های گذشته‌اش، نموداری را از محبوبیت تاریخی ایران منتشر کرده است که نشان می‌دهد ایران در بسیاری از کشورها تا سال ۲۰۰۶، کشوری محبوب بوده و پس از آن از میزان محبوبیت آن کاسته شده است. نمودار ۲، این موضوع را در مورد کشورهای پاکستان، اندونزی، مالزی، فلسطین، ترکیه و اردن نشان می‌دهد. این نمودار همچنین حاکی است که محبوبیت ایران از ۲۰۱۴ در ترکیه، مالزی و فلسطین اندکی بهبود یافته است.



Source: Spring 2015 Global Attitudes survey, Q12c.

PEW RESEARCH CENTER

نمودار ۲- تغییرات میزان محبوبیت ایران از ۲۰۰۶ به بعد در میان شش کشور اسلامی منتخب (Zainulbhai & Wike, 2015: 3)

نظرسنجی‌های ارائه شده بی‌گمان از تحولات سیاسی درون کشور بسیار متأثر بوده است با این حال، ذهنیت شهروندان یک کشور در میزان موفقیت فعالیت‌های دیپلماسی شهری و روابط بین شهرها بسیار تأثیرگذار است و در فرایند اولویت‌بندی کشورها بایستی بدان توجه نمود.

سنجهی روابط سیاسی میان ایران و کشورهای اسلامی

وقتی صحبت از روابط سیاسی فراملی می‌شود، پای سیاست خارجی کشورها به میان می‌آید. اصول حاکم بر سیاست خارجی هر کشور مهمترین عاملی است که نوع و کیفیت روابط با کشورها را تعیین می‌کند. در سیاست خارجی اصول ثابت است ولی رهیافت‌ها و جهت‌گیری‌های تحقق همان اصول، متغیرند (Sariolghalam, 2009: 24). در مجموع این که در هر زمان چه رهیافتی در سیاست خارجی در پیش گرفته شود، گویای میزان، نوع و کیفیت روابط خارجی با کشورهای جهان می‌باشد. به عنوان مثال اگر در یک دولت در سیاست خارجی، تنش‌زدایی، عادی‌سازی، تعامل، همکاری و نقش‌آفرینی در مناسبات سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی در پیش گرفته شود، این سیاست، مهمترین بستری است که شهرها می‌توانند در سایه آن به تلاش‌های خود در عرصه دیپلماسی شهری سرعت بخشند و موفقیت بیشتری در این فرایند به دست آورند. در مورد دیپلماسی شهری مشهد نیز نوع روابط سیاسی کشور با هر یک از کشورهای اسلامی می‌تواند بر میزان موفقیت تلاش‌های دیپلماتیک در تراز شهری تأثیرگذار باشد.

بررسی کشورهای اسلامی گویای این است که، از میان ۵۷ کشور اسلامی، ایران با ۱۰ کشور (بحرین، سودان، جیبوتی، سومالی، صحرای غربی، عربستان، کومور، لیبی، مالدیو، بروئی - دارالسلام) روابط دیپلماتیک ندارد و این روابط قطع

می‌باشد. دو کشور سوریه و یمن نیز در این میان درگیر جنگ هستند. در ۹ کشور نماینده سیاسی ایران از نوع آکردیته می‌باشد. روابط با مصر نیز در حد حافظ منافع ایران در مصر است و سطح دیپلماتیک با امارات متحده عربی نیز در سطح کاردار است. در فلسطین نیز امکان حضور نمایندگی وزارت امور خارجه وجود ندارد. سطح روابط با سایر کشورها در سطح سفیر می‌باشد. که خود کمک شایانی به فعالیت‌های مرتبط با دیپلماسی شهری در مشهد خواهد نمود. دنیای روابط سیاسی بین کشورها بر مبنای منافع و افزایش قدرت و نفوذ می‌باشد. با این حال در برخی کشورها که نگاه امنیتی به ایران دارند، می‌توان با مینا قرارداد اشتراکات و بر پایه دیپلماسی شهری به دنبال گسترش روابط بود. از این رو با توجه به موقعیت مشهد بایستی روی اشتراکات دیرینه فرهنگی و تاریخی با همسایگان و به ویژه با کشورهایی که دارای نمایندگی دیپلماتیک هستند، تمرکز گردد.

سنجی روابط اقتصادی و تجاری در تراز ملی

از آنجا که شهرها بسان نقاط جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و ... جزئی از فضای جغرافیایی ملی هستند و تابع قوانین ملی و روابط میان کشورها می‌باشند، نمی‌توانند خودمختارانه و بدون توجه به سامانه‌ی کلان ملی، دست به روابط دیپلماتیک با دیگر شهرها بزنند. لذا یکی دیگر از ملاک‌هایی که در فرایند اولویت‌بندی باید بدان توجه داشت، روابط اقتصادی بین کشورهاست، چرا که اگر ایران با کشوری روابط اقتصادی بهتری داشته باشد، امکان برقراری دیپلماسی شهری برای شهر مشهد با شهرهای آن کشور، فراهم‌تر خواهد بود، زیرا روابط اقتصادی - تجاری بین دو کشور، کم و بیش نشان از فراهم‌تر بودن نسبی بسترها با این کشورها برای امر دیپلماسی شهری است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که - به جز هند، چین و روسیه که عضو سازمان همکاری اسلامی نیستند، ۱۳ کشور از ۵۰ کشور عمده طرف واردات ایران، جزء کشورهای اسلامی هستند. سه کشور چین، هند و روسیه نیز به عنوان کشورهای دارای جمعیت مسلمان عمده به ترتیب در رده های ۱، ۶ و ۱۲ کشورهای واردکننده به ایران محسوب می‌شوند.

آمار صادرات نیز مانند واردات، نشان از روابط تجاری - اقتصادی میان کشورهاست. از ۵۰ کشور اولی که ایران به آنها صادرات دارد، ۲۵ کشور در ردیف کشورهای اسلامی قرار دارند. جای گرفتن چند کشور همسایه و نزدیک به مرزهای شرق و شمال شرق کشور از جمله کشورهای افغانستان، پاکستان، و نیز ۵ کشور آسیای مرکزی با توجه به موقعیت جغرافیایی شهر مشهد دارای اهمیت فراوانی است. چرا که نشان از فراهم بودن بسترهای تجاری قوی‌تر در فرایندهای تجاری ایران با این کشورها دارد. ۸ کشور دیگر (امارات متحده عربی، عراق، ترکیه، عمان، کویت، آذربایجان، قطر و عربستان) نیز از کشورهای همسایه ایران محسوب می‌شوند. هند و روسیه نیز به ترتیب در رده‌های ۵ و ۲۳ کشورهای هدف صادرات ایران قرار دارند. هر چند بنا به آمار، حجم تجارت میان کشورهای سازمان اسلامی فقط ۱۸ درصد کل تجارت خارجی آنها را تشکیل می‌دهد و ۸۲ درصد بقیه تجارت، میان کشورهای عضو این سازمان با کشورهای غیرعضو انجام گرفته است (Anadolu Agency, 17.11.2016). با این حال، همین مراودات موجود نیز نشان از ظرفیت‌هایی دارد

که می‌تواند در یک پروسه برنامه‌ریزی شده به سمت افزایش میل کند و شهرها می‌توانند با افزایش ارتباطات خود با شهرهای کشورهای اسلامی نقش خود را در زمینه‌های تجاری پررنگ‌تر نمایند.

از سوی دیگر، نتیجه آنچه که مصاحبه‌شوندگان این پژوهش بر آن اشتراک نظر داشته‌اند، این است که برای مشهد اولویت اول شهرها و کشورهایی است که با آن‌ها اشتراکات تاریخی و فرهنگی دارد. این کشورها در همسایگی خراسان و در میان کشورهای آسیای مرکزی قرار دارند. همچنین کشورهایی که دارای جمعیت شیعه بیشتری هستند همانند عراق، آذربایجان، لبنان.

با توجه به مطالب گفته شده و استثناء کردن کشورهایی که با آنها روابط دیپلماتیک ملی برقرار نیست یا درگیر جنگ و ناامنی هستند، سایر کشورها (۳۶ کشور) را می‌توان به منظور برقراری یا تقویت روابط شهری مشهد با شهرهای آنان امتیاز داده و دسته‌بندی نمود. ملاک امتیازدهی کشورها در هر سنجه به صورت زیر است:

سنجه موقعیت جغرافیایی: کشورهای همسایه و آسیای مرکزی: امتیاز ۳، کشورهای خاورمیانه (به جز همسایه‌های ایران) و کشورهای اسلامی آسیایی ۲ و کشورهای آفریقایی ۱ امتیاز.

سنجه روابط سیاسی: رابطه ضعیف ۱، رابطه متوسط ۲، رابطه قوی ۳ امتیاز.

سنجه روابط تجاری: روابط ضعیف اقتصادی ۱، متوسط ۲، قوی ۳ امتیاز.

سنجه اشتراکات تاریخی و فرهنگی: بدون اشتراک صفر، اشتراک فقط مذهبی ۱، اشتراک فرهنگی و تاریخی ۲ امتیاز.

با در نظر گرفتن جمع امتیاز هر کشور از مجموع چهار شاخص بررسی شده، اولویت کشورها به دست می‌آید. جدول ۴ گویای این اولویت‌بندی است.

جدول ۴- اولویت‌بندی کشورهای مورد بررسی برای ارتباطات دیپلماسی شهری مشهد

ردیف	کشور	موقعیت جغرافیایی	روابط سیاسی	روابط تجاری	اشتراکات تاریخی و فرهنگی	جمع امتیاز
۱	آذربایجان	۳	۳	۱	۲	۹
۲	عراق	۳	۳	۱	۲	۹
۳	هند	۲	۳	۲	۲	۹
۴	افغانستان	۳	۳	۱	۱	۸
۵	پاکستان	۳	۲	۱	۲	۸
۶	تاجیکستان	۳	۳	۱	۱	۸
۷	ترکیه	۳	۲	۲	۱	۸
۸	عمان	۳	۳	۱	۱	۸
۹	قرقیزستان	۳	۳	۱	۱	۸
۱۰	قزاقستان	۳	۳	۱	۱	۸

۷	۱	۱	۲	۳	ازبکستان	۱۱
۷	-	۳	۱	۳	امارات متحده عربی	۱۲
۷	۱	۱	۲	۳	ترکمنستان	۱۳
۷	-	۲	۳	۲	چین	۱۴
۶	-	۱	۳	۲	اندونزی	۱۵
۶	۱	-	۲	۳	قطر	۱۶
۶	۱	-	۲	۳	کویت	۱۷
۶	۱	۱	۲	۲	لبنان	۱۸
۶	-	۱	۳	۲	روسیه	۱۹
۶	-	۱	۳	۲	اردن	۲۰
۵	-	۱	۲	۲	مالزی	۲۱
۴	-	۱	۱	۲	بنگلادش	۲۲
۴	-	-	۲	۲	فلسطین	۲۳
۳	-	-	۲	۱	الجزایر	۲۴
۳	-	-	۲	۱	گینه	۲۵
۳	-	-	۲	۱	مالی	۲۶
۳	-	-	۲	۱	مراکش	۲۷
۳	-	-	۲	۱	موریتانی	۲۸
۳	-	-	۲	۱	آلبانی	۲۹
۳	-	-	۲	۱	اوگاندا	۳۰
۳	-	-	۲	۱	سیرالئون	۳۱
۳	-	-	۲	۱	ساحل عاج	۳۲
۳	-	-	۲	۱	نیجریه	۳۳
۲	-	-	۱	۱	نیجر	۳۴
۲	-	-	۱	۱	تونس	۳۵
۲	-	-	۱	۱	سنگال	۳۶

موضوع مهم دیگر این است که مشهد با توجه به موقعیت، تاریخ و فرهنگ و سایر توان های داخلی با کدام یک از شهرهای کشورهای نامبرده می تواند تعامل بهتری برقرار سازد. برای تعیین این شهرها، ضمن بهره گیری از پیشینه تاریخی و فرهنگی در مشهد و خراسان، از نظرات ارائه شده در مصاحبه ها نیز بهره گرفته شده است. جدول ۵ شهرهای دارای اولویت هر یک از این کشورها را نشان می دهد.

جدول ۵- شهرهای اولویت دار در هر یک از کشورهای انتخابی در راستای تقویت دیپلماسی شهری مشهد

کشورها و شهرهای اولویت دار آنها	کشورها و شهرهای اولویت دار آنها
امارات (شارجه، ابوظبی، دبی)	افغانستان: غزنه، مزارشریف، بلخ، قندهار
مالزی: سلانگور	ترکمنستان: مرو
اندونزی: باندونگ	تاجیکستان: دوشنبه، پنجکنت (زادگاه رودکی)
قرقیزستان: اوش	ازبکستان: بخارا، سمرقند
لبنان: سور، قیبری	عراق: کربلا، نجف، کاظمین، اقلیم کردستان عراق
چین (اولغوز، ارومچی، کارامای)	پاکستان: کراچی، لاهور، مولتان، اسلام آباد
روسیه (قازان تاتارستان)	ترکیه: قونیه، استانبول
اردن (امان)	هند: حیدرآباد، بنگال، تلنگانا، دهلی، علی گر، پنجاب و کشمیر
کویت: کویت	آذربایجان: باکو، گنجه، ایروان
تونس (قیروان)	عمان: مسقط

نتیجه گیری

این پژوهش با هدف اولویت بندی کشورهای اسلامی در راستای اهداف دیپلماسی شهری مشهد انجام شده است. با توجه به مبانی نظری مورد بررسی می توان چند نکته را مورد ملاحظه قرار داد: نخست این که جهان امروز عرصه رقابت و در عین حال همکاری کشورها و شهرهاست؛ دوم، به موازات جهانی شدن، منطقه ای شدن و تشکیل بلوک های منطقه ای نیز به پیش می رود؛ سوم، مشارکت در بلوک های مختلف اقتصادی متضمن به رسمیت شناختن جهان شبکه ای و الزامات رقابت در آن است؛ چهارم، بدون یک نگاه بلندمدت و استراتژی برآمده از اجماع درونی کشورها و شهرها در این رقابت بین شهری نمی توان موفقیت چندانی به دست آورد؛ و پنجم این که بایستی در رابطه با کشورهای اسلامی با دیدی باز و دربرگیرنده تصمیم به تعامل گرفت. از این رو، به منظور شناسایی اولویت های مشهد در بین کشورهای اسلامی برای ارتباطات دیپلماسی شهری از چهار سنجه ی: موقعیت جغرافیایی کشورهای اسلامی، پیشینه تاریخی و اشتراکات فرهنگی کشورهای اسلامی و شهرهای آنها با ایران و خراسان، میزان روابط اقتصادی و تجاری ملی با کشورهای اسلامی، و سطح روابط سیاسی میان ایران و کشورهای اسلامی، استفاده شده است. نتایج نشان می دهد که بر اساس سنجه ی منطقه جغرافیایی، شهر مشهد این امکان را دارد که با ۱۶ کشور عضو سازمان کشورهای اسلامی که در موقعیت جغرافیایی آسیای مرکزی یا همسایگی ایران قرار دارند، ارتباط دیپلماتیک برقرار کند. در سنجه ی پیشینه تاریخی و اشتراکات فرهنگی از ۵۷ کشور اسلامی (عضو سازمان همکاری اسلامی)، کشور ایران با ۱۶ کشور اشتراکات فرهنگی و یا پیشینه مشترک تاریخی دارد - همچنین کشور هند به دلیل مسلمان بودن ۱۴/۴ درصد از جمعیت آن (در سال

۲۰۱۰) و نیز پیشینه فرهنگی و تاریخی مشترک با ایران - که این ملاک خود زمینه روابط دیپلماسی شهری مشهد با این کشورها را فراهم‌تر می‌سازد.

در سنجهی روابط سیاسی میان ایران و کشورهای اسلامی، از میان ۵۷ کشور اسلامی، ایران با ۱۰ کشور (بحرین، سودان، جیبوتی، سومالی، صحرای غربی، عربستان، کومور، لیبی، مالدیو، بروئی - دارالسلام) روابط دیپلماتیک ندارد و این روابط قطع می‌باشد. دو کشور سوریه و یمن نیز در این میان درگیر جنگ هستند. در ۹ کشور نماینده سیاسی ایران از نوع آکردیته می‌باشد. روابط با مصر نیز در حد حافظ منافع ایران در مصر است و سطح دیپلماتیک با امارات متحده عربی نیز در سطح کاردار می‌باشد. در فلسطین نیز امکان حضور نمایندگی وزارت امور خارجه وجود ندارد. سطح روابط با سایر کشورها در سطح سفیر می‌باشد، که خود کمک شایانی به فعالیت‌های مرتبط با دیپلماسی شهری در مشهد خواهد نمود.

سنجهی روابط اقتصادی و تجاری در تراز ملی نیز نشان می‌دهد که، ۱۳ کشور از ۵۰ کشور عمده طرف واردات ایران، جزء کشورهای اسلامی هستند. سه کشور چین، هند و روسیه نیز به عنوان کشورهای دارای جمعیت مسلمان عمده به ترتیب در رده‌های ۱، ۶ و ۱۲ کشورهای واردکننده به ایران محسوب می‌شوند. درباره آمار صادرات نیز از ۵۰ کشور اولی که ایران به آنها صادرات دارد، ۲۵ کشور در ردیف کشورهای اسلامی قرار دارند. جای گرفتن چند کشور همسایه و نزدیک به مرزهای شرق و شمال شرق کشور از جمله کشورهای افغانستان، پاکستان، و نیز ۵ کشور آسیای مرکزی با توجه به موقعیت جغرافیایی شهر مشهد دارای اهمیت فراوانی است. ۸ کشور دیگر (امارات متحده عربی، عراق، ترکیه، عمان، کویت، آذربایجان، قطر و عربستان) نیز از کشورهای همسایه ایران محسوب می‌شوند. هند و روسیه نیز به ترتیب در رده‌های ۵ و ۲۳ کشورهای هدف صادرات ایران قرار دارند.

در مجموع، علاوه بر کشورهای اسلامی، به دلیل جمعیت مسلمان قابل ملاحظه و نیز روابط ویژه ایران با سه کشور هند، چین و روسیه، این سه نیز در الویت‌بندی، در نظر گرفته شده‌اند. در بین کشورهای مورد بررسی، ۱۰ اولویت نخست مشهد برای ارتباطات دیپلماسی شهری عبارتند از: آذربایجان، عراق، هند، افغانستان، پاکستان، تاجیکستان، ترکیه، عمان، قرقیزستان و قزاقستان.

پیشنهادات

با توجه به نتایج اولویت‌بندی کشورهای اسلامی مورد بررسی در این پژوهش، پیشنهاد می‌گردد که در فرایند فعالیت‌های دیپلماسی شهری در مشهد، الویت کشورها و شهرهای آنها با توجه به چهار شاخص بررسی شده، مورد ملاحظه قرار گیرد و با نگاه بلندمدت، فعالیت‌های دیپلماسی شهری جهت پیدا کرده و هم‌افزا گردد.

قدردانی

این پژوهش برآمده از نتایج طرح پژوهشی می‌باشد که طی قراردادی با معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهرداری مشهد در سال ۱۳۹۶ انجام شده است. لذا از مساعدت این معاونت، به ویژه گروه همکاری‌های بین‌الملل علمی تخصصی و نیز همکاران مدیریت پژوهش و مطالعات راهبردی شهرداری مشهد و ناظر محترم طرح قدردانی می‌گردد.

کتابنامه

- Acuto, M., Decramer, H., Kerr, J., & Klaus, I. (2018, February). Toward City Diplomacy: Assessing capacity in select global cities. Chicago Council on Global Affairs.
- Ahmadian, M. A. (2006). Geographical characteristics of Islamic countries. Mashhad: Sokhan Gostar Publication. [In Persian]
- Amani, M. (2011). The role of international organizations in the new world position of metropolis (with emphasis on urban diplomacy and the Asian Mayors Forum). Danesh- Shahr. No. 31. [In Persian]
- Anadolu Agency, 17.11.2016, Available in: <https://goo.gl/pSWGvA>.
- Basirat, M., Jalili, S. (2014). Analysis of opportunities and challenges of development of city diplomacy in Tehran metropolis. Honar-Ha-Ye-Ziba: Memary Va Shahrsazi, 19(3), 53-66. doi: 10.22059/jfaup.2014.55404. [In Persian]
- Department of planning and human capital development municipality of Mashhad. (2015). Statistics of Mashhad city. Mashhad: Mashhad municipality. [In Persian]
- Department of planning and human capital development municipality of Mashhad. (2017). Statistics of Mashhad city. Mashhad: Mashhad municipality. [In Persian]
- Farnahad Consulting Engineers. (2009). Mashhad Metropolitan Development Plan: vision of development, goals, strategies and policies. [In Persian]
- Ghouch, M. & Amani, M. (2009). Urban Diplomacy in the Process of Globalization. Danesh- Shahr. No. 7, Tehran Urban Research and Planning Center. [In Persian]
- Hafeznia, M., Shams Doulatabadi, M., Afshordy, M. (2007). Iran's Interests in Central Asia and the Existing Opportunities. Geopolitics Quarterly, 3(9), 78-119. [In Persian]
- Jamali nezhad, M. (2013). City diplomacy, Esfahan: Publication of Arma. [In Persian]
- NejatiHosseini S M. (2012). Urban Politics and Urban Diplomacy: From Theory to Experience. MJSS. 2012; 3 (2) :117-142 URL: <http://journals.modares.ac.ir/article-25-4358-fa.htm>. [In Persian]
- Sariolghalam, M. (2008). Iran and globalization. Challenges and Solutions, Center for Strategic Research, Second Edition. Tehran: Center for Strategic Research (CSR) The Expediency Council. [In Persian]
- Sariolghalam, M. (2009). Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran: Ability to change. International Journal of Foreign Relations. 1(1), 21-40. [In Persian]
- Sarrafi, M, and Azimi, N. (2010). Imperatives of attaining trans-national roles for Iranian metropolises. Journal of Population Association of Iran. 10: 148-187. Available in: <http://anthropology.ir/article/18251.html>. [In Persian]
- Sarrafi, M. & Mohammadi, A. R. (2011). Management requirements of metropolitan areas in the globalization process, with emphasis on Tehran's metropolitan area. Proceedings of the First International Conference of Urban Management with the Approach of Sustainable Development. Tehran: Tehran Municipality Publications. [In Persian]

Sarrafi, M. (2000). Urbanization of the World and Globalization of Cities: A Problem for the South. *Political & Economic Ettela'at*. 155-156, 164-167. [In Persian]

Short, J. R., & Kim, Y. H. (1999). *Globalization and the City*. Prentice Hall.

Short, John R, and Yeong-Hyun Kim. (2007). *Globalization and the City*. Translated by Ahmad Pourahmad and Shayan Rostami. Tehran: Iranian Students Booking Agency.

Tehran Urban Research and Planning Center. (2012). An Introduction to the Political Economy of the Urban System in Iran with Emphasis on Tehran Metropolis. *Danesh- Shahr*. No. 135. [In Persian]

The Economist Intelligence Unit, (2014), MENA Cities: an introduction to the EIU's new data tool. www.mashhad.ir

Zainulbhai, H., & Wike, R. (2015). Iran's Global Image Mostly Negative: Israel, Arab States Share Unfavorable View of Middle East Neighbor. Pew Research Center.